



دستگاه آوازی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
رتال جامع علوم انسانی

● غلامعلی نوری
گوینده رادیو

معنی دار زبان وجود دارد و واژگان عبارت است از مجموعه لغاتی که اهل زبان در دسترس دارند.

دستگاه‌های صوتی و دستوری زبان، دستگاه‌هایی سخت به هم بافته‌اند و در نتیجه، رخنه در آنها مشکل‌تر و تغییرات آنها کندتر است. برعکس، دستگاه واژگان زبان، دستگاهی آنچنان به هم بافته نیست و در نتیجه نفوذ در شبکه ارتباطی آن آسان‌تر است. کم و زیاد شدن یا تغییر ارزش عناصر صوتی و دستوری، موجب تغییر ارزش عناصر دیگر می‌شود، ولی کم و زیاد شدن یا

زبانی که ما روزانه آن را به کار می‌بریم^(۱)، چون دستگاه بزرگی است که کار آن، نتیجه همکاری دستگاه‌های کوچک‌تر است. زبان را می‌توان متشکل از سه دستگاه دانست:

- دستگاه صوتی یا فونولوژی

- دستگاه دستوری یا گرامر

- دستگاه واژگان.

دستگاه صوتی عبارت است از نظامی که بین عناصر آوایی زبان وجود دارد؛ دستور یا گرامر نظامی است که بین عناصر

تغییر عناصر واژگان (لغت)، مستلزم چنین تحولی در ارزش عناصر دیگر نیست. عوامل یادشده از ویژگی‌های مهم همه زبان‌ها هستند که قسمت‌هایی از آن که جزء ارکان زبان محسوب می‌شوند و به منزله پایه‌های ساختمان زبان‌اند، در معرض تغییر نیستند و نمی‌توان در آنها نفوذ کرد؛ زیرا در آن صورت، دستگاه بزرگ زبان به سادگی مورد تهاجم قرار گرفته، از اساس، ویران خواهد شد.

مثلاً در دستگاه صوتی هر زبان، تعدادی صدا وجود دارد که بعضی از آنها صامت و بعضی دیگر مصوت‌اند. این تعداد صداها، در زبان‌های مختلف متفاوتند، ولی برای هر زبانی معین و مشخص‌اند. برای مثال، دستگاه صوتی زبان فارسی که دارای شش مصوت است، نمی‌تواند به آسانی تغییر کند و مصوت تازه‌ای را در خود بپذیرد یا برعکس، مصوتی را از جمع خود بکاهد و خارج کند.

همچنین است تغییر در دستگاه دستوری زبان؛ زبانی مانند فارسی یا انگلیسی که دارای تمایز دوگانه مفرد و جمع است،

آنچه نباید صورت بگیرد، قبول ساختاری واژه یا تعبیر بیگانه است؛ یعنی نباید واژه را به گونه‌ای استفاده کنیم که به قوانین دستوری یا آوایی زبان ما خللی وارد سازد و آن را از قاعده طبیعی خود منحرف کند. رخنه در قوانین دستوری و تغییر آن را، در اصطلاح، «کاپیتولاسیون ادبی» می‌گویند.

نمی‌تواند به سادگی تغییر کند و یک تمایز سه‌گانه را، مانند زبان عربی که بین مفرد و مثنی و جمع فرق می‌گذارد، بپذیرد. یا برعکس، زبانی چون عربی نمی‌تواند به سادگی یکی از این عناصر، مثلاً عنصر تثنیه، را از شبکه دستوری خود خارج کند. چنین تغییراتی موجب برهم خوردن روابط موجود در دستگاه زبان می‌شود. مثلاً کم یا زیاد شدن عنصر دستوری تثنیه، نه تنها در نحوه جمع بستن اسم‌ها مؤثر است، بلکه صرف افعال و ضمائر را نیز متغیر می‌سازد و بسیاری تغییرات دیگر....

ولی ساختمان واژگان چنین نیست. کم و زیاد شدن یا تغییر عناصر واژگان، یعنی لغات، به آسانی صورت می‌گیرد، بدون

آنکه باعث برهم خوردن روابط موجود در زبان گردد. سازمان واژگان زبان و طبیعت آن چنین است؛ زیرا واژگان هر زبان، آینه فرهنگ مردمی است که به آن زبان تکلم می‌کنند و از آنجایی که عناصر فرهنگی زبان (چه مادی و چه معنوی) پیوسته در حال تغییرند، طبیعی است که واژه‌های زبان نیز - که در حقیقت نام آن عناصر فرهنگی هستند - تغییر کنند.

بسیاری از استادان ادب و زبان‌شناسان، درباره ورود واژگان به زبان‌ها، نظر یکسان و مساعدی دارند؛ استاد پرویز خانلری در این باره می‌گوید: «من نمی‌دانم آمیختگی لغاتی از زبانی در زبان دیگر، برای این یک، چه ننگ و عاری است؟ زبان خالص مانند نژاد پاک، افسانه‌ای است که خواب می‌آورد».

و استاد محمد پروین گنابادی نیز خاطر نشان می‌کند: «داخل شدن واژه‌های بیگانه در زبان، نه تنها بدان زبانی نمی‌رساند، بلکه مایه وسعت و توانگری آن هم می‌شود».

گذشته از تعصب‌های ناروای تنی چند که هرازگاهی، فریاد پاکسازی زبان فارسی از لغت‌های بیگانه را سر می‌دهند و البته بیشتر نظرشان روی لغت‌های عربی است، از نظر استادان واقع‌بین، بین زبان‌های بیگانه فرقی وجود ندارد. هر واژه‌ای که وارد زبان فارسی می‌شود، به شرط پذیرفتن اجتماع و مرزداران و نگهبانان زبان (فرهنگستان)، باید تابع شرایط و قوانین ماندگاری زبان فارسی بشود، در غیر این صورت آن واژه، بیگانه است و باید از ساخت زبان فارسی طرد شود.

واژه‌های عربی که در طول تاریخی بیش از ۱۲۰۰ سال وارد زبان فارسی شده‌اند، باید جزء دستگاه واژگان زبان ما محسوب شوند. بسیاری از این واژه‌ها، معانی اولیه خود را از دست داده، معنی تازه و جدیدی پذیرفته‌اند. بسیاری با واژه یا «وند»‌های فارسی ترکیب شده‌اند و بسیاری دیگر پس از قرن‌ها استفاده، منسوخ شده، در متون کلاسیک یا اشعار قدیمی، جزء گنجینه‌های ادبی ما محسوب شده‌اند. زبان فارسی در این ۱۴ قرن با واژه‌های ترکی، مغولی و غربی هم، همین‌گونه برخورد کرده است؛ یعنی اگر مردم واژه‌ای را پذیرفته‌اند و در حقیقت به آن جواز ورود داده‌اند، جزء واژگان زبان فارسی درآمده، همپای دیگر واژگان فارسی، در کار ارتباط و تفهیم و تفاهم استعمال شده است.

آنچه به استقلال و موجودیت یک زبان، زیان‌های جبران‌ناپذیر وارد می‌کند، رخنه کردن خصوصیت‌های صرفی و نحوی زبان بیگانگان در زبان میزبان است. هر قومی که واژه‌ای بیگانه را می‌پذیرد، نخست آن را موافق با لهجه خود تغییر می‌دهد



و آنگاه قاعده‌های صرفی و نحوی زبان مادری خویش را درباره آن اجرا می‌کند.^(۲)

البته این جریان یک طرفه نیست؛ جوامع انسانی به مقتضای وضع جغرافیایی، نژادی، سیاسی، دینی، اقتصادی و... کم و بیش با هم در تماس هستند و عناصر فرهنگی آنها، که واژگان زبان نیز از آن جمله‌اند، نوعی داد و ستد طبیعی دارند. آنچه نباید صورت بگیرد، قبول ساختاری واژه یا تعبیر بیگانه است؛ یعنی نباید واژه را به گونه‌ای استفاده کنیم که به قوانین دستوری یا آوایی زبان ما خللی وارد سازد و آن را از قاعده طبیعی خود منحرف کند. رخنه در قوانین دستوری و تغییر آن را، در اصطلاح، «کاپیتولاسیون ادبی» می‌گویند.

از زمانی که رادیو ساخته شد و گفتار به عنوان عامل ارتباط این رسانه به کار گرفته شد، دستگاه فونولوژی یا آوایی زبان فارسی مورد هجوم و صدمه قرار گرفت. زبان در شکل نوشتاری اش در ایران، قرن‌ها مورد استفاده بود. شعر و نثر فارسی دری، به قلم توانای شاعران و نویسندگان نامدار این سرزمین، جایگاهی شایسته یافته بود و بر قله‌های اندیشه و تخیل جلوه‌گری می‌کرد و دستگاه دستوری یا گرامری زبان

مساعی، نثر پارسی کم کم از آن حالت متکلف و منشیانه گذشته جدا شد و به سادگی گرایید. استادان، ادیبان، زبان‌شناسان و صاحبان اندیشه، که در حقیقت پاسداران زبان فارسی و نگهبانان قوانین آن هستند، از زبان مراقبت می‌کردند و هرگاه خطا و اشتباهی در نوشته‌ای می‌دیدند، بلافاصله از راه‌های گوناگون، گوشزد می‌نمودند که خوشبختانه مؤثر هم واقع می‌شد؛ زیرا برای اصلاح نوشته و بهبود آن، از قبل، نوعی پذیرش در جامعه به وجود آمده بود و هنگامی که استاد یا نویسنده صاحب نظری، به نثر نویسنده جوانی ایراد می‌گرفت و او را راهنمایی می‌کرد، نویسنده جوان، به راحتی می‌پذیرفت و سپاسگزار بود. نقد و نظر درباره شعر، به ویژه در انجمن‌های ادبی نیز امری کاملاً مقبول بود و به صورت یک رفتار فرهنگی- ادبی شایسته، در ایران رواج داشت که خوشبختانه این امر هنوز هم رواج دارد.

اما، این رویه و فرهنگ قبول و اصلاح، بیشتر درباره شکل نوشتاری و گونه مکتوب زبان بوده است. با تأسیس رادیو، شکل گفتاری زبان، تنها وسیله ارتباط در این رسانه محسوب شد. پیام‌ها، گزارش‌ها و خبرها، همه به صورت آوا و سخن ملفوظ، از رادیو پخش و شنیده می‌شدند؛

هنوز هم بسیاری از مسئولان و مدیران

رسانه‌های گفتاری، بیان را در انتقال پیام،

به اندازه نوشتار، مؤثر نمی‌دانند؛ یعنی به آن

اندازه که برای ویرایش نوشته‌ها و متن‌های

برنامه‌ها، حساسند، برای خوب خواندن و رعایت

فنون بیان و تلفظ کلمات و استفاده درست و بجا

از واحدهای زبر زنجیری، دقت و توجه کافی

مبذول نمی‌دارند.

فارسی به یاری پاسداران فرهیخته‌اش توانایی مقابله با هر هجومی را داشت. اما در این قرن و اندی که از انتشار روزنامه در ایران می‌گذرد، زبان نوشتاری تحولی پیدا کرده و نثر ساده روزنامه‌ای رواج یافته است. بسیاری از ادیبان، برای راهنمایی نویسندگان جوان، جزوه‌ها و کتاب‌ها نوشته‌اند. دبیران و استادانی هم، دلسوزانه در کلاس‌های درس، فن ساده درست‌نویسی را به شاگردان خود آموخته‌اند که در نتیجه آن

از نوشته‌های امروزی تا انواع نثرهای کلاسیک و از شعر نو تا اقسام مختلف شعر در سده‌های پیشین.

در رادیو همه چیز، به صدا و آوا تبدیل شد؛ زیرا طبیعت این رسانه چنین بود. به این ترتیب، دستگاه آوایی یا فونولوژی، ارزش و اعتباری هم‌پایه و هم‌سنگ با دستگاه دستوری یا گرامری زبان پیدا کرد. البته زبان در ذات خود این اعتبار و ارزش را داشت؛ زیرا دستگاه آوایی، یکی از سه رکن زبان است، اما چون مورد استفاده همگان قرار نگرفته بود، این ارزش نهفته و پنهان بود.

پس از رادیو که زبان در گونه و شکل ملفوظ در آن به کار گرفته شد، موضوع بیان مشترک و معیار مطرح شد. ارزش و اعتبار آوا و دستگاه آوایی زبان هم، آشکار گردید، البته نه به صورت کامل، چون هنوز هم در راه شناختن بیشتر شکل ملفوظ زبان هستیم و تا دست یافتن به «بیان معیار» و قوانین دستوری آن، باید مجدانه کوشش کنیم تا ابعاد آن را بشناسیم.

باید بدانیم که دو رکن اساسی آوایی و دستوری زبان، از پایه‌های استحکام زبان زیبا و شیرین فارسی دری است که رودکی، فردوسی، بهیقی، سعدی و دیگران کاخ رفیع آن را پی افکنده‌اند، چنان که قرن‌ها در برابر باد و باران و آسیب‌های زمانه پابرجا و استوار باقی مانده است.

باید بدانیم که برای تلفظ واژه‌هایی که از زبان‌های دیگر وارد زبان فارسی شده و اجتماع ما آن را پذیرفته است، نمی‌توان به دلخواه و بنا بر سلیقه‌های شخصی، عمل کرد. استادان ادبیات و زبان‌شناس باید مراقب گفتار، لحن‌ها، تلفظ‌های گوناگون و گاه اشتباهی باشند که از یک رسانه معتبر گفتاری پخش و شنیده می‌شود.

امروزه ده‌ها کتاب دستور زبان وجود دارد که قوانین آن را هم‌مین استادان با مطالعه متون ادبی و شعرهای مختلف، از دل آنها، بیرون کشیده‌اند و حاصل پژوهش‌های چند ساله خود را، برای راهنمایی نویسنده‌ها و شاعران جوان در دسترس آنان قرار داده‌اند. این استادان، اکنون نیز باید برای دستور بیان و تلفظ فارسی کلمات دخیل (واژه‌های وارد شده در زبان فارسی) همان دلسوزی و مراقبت سابق را داشته باشند. البته این حرف، به آن معنی نیست که مراقبتی در کار نبوده و قواعد و اصول را گوشزد نکرده‌اند، بلکه توجه به اهمیت بیان است و اینکه هنوز هم بسیاری از مسئولان و مدیران رسانه‌های گفتاری، بیان را در انتقال پیام، به اندازه نوشتار، مؤثر نمی‌دانند؛ یعنی به آن اندازه که برای ویرایش نوشته‌ها و متن‌های برنامه‌ها، حساسند، برای

خوب خواندن و رعایت فنون بیان و تلفظ کلمات و استفاده درست و بجا از واحدهای زیر زنجیری - که در خط و نوشته دیده نمی‌شوند، ولی در بیان مطالب و انتقال صحیح پیام نقش غیر قابل انکار دارند - دقت و توجه کافی مبذول نمی‌دارند.

از سال‌ها پیش، اغلب استادان در روزنامه‌ها، مجلات و مقاله‌های متعدد، در همین زمینه نقدها نوشته‌اند. از جمله این نقدها می‌توان به مقاله کوتاه **رادیو و تلویزیون، دو قیم زبان فارسی** از کتاب **زبان و تفکر** دکتر محمدرضا باطنی اشاره کرد. نگارش این مقاله در دوره قبل از انقلاب و زمانی بوده که تعداد رسانه‌های صوتی و تصویری ما، از یک سوم امروز هم کمتر بود و به همین دلیل اگر هیچ تغییری در میزان و مقدار غلط خوانی‌ها، به وجود نیامده باشد، از جهت کمیت، حداقل، سه برابر شده است. آنچه دکتر باطنی در این نقد کوتاه به آن اشاره می‌کند، مطالبی است که امروز بیش از گذشته نیازمند توجه است. اگر گوش شنوایی باشد (که هست)، در امر خطیر برنامه‌ریزی برای رسیدن به بیان معیار، بسیار کارساز تواند بود:

«از آنجا که رادیو و تلویزیون، دو وسیله ارتباط جمعی هستند که نفوذ آنها شدید و میزان عملشان بسیار وسیع است، می‌توانند

گذشته از تعصب‌های ناروای تنی چند که هر از گاهی، فریاد پاکسازی زبان فارسی از لغت‌های بیگانه را سر می‌دهند و البته بیشتر نظرشان روی لغت‌های عربی است، از نظر استادان واقع بین، بین زبان‌های بیگانه فرقی وجود ندارد. هر واژه‌ای که وارد زبان فارسی می‌شود، باید تابع شرایط و قوانین ماندگاری زبان فارسی بشود، در غیر این صورت آن واژه، بیگانه است و باید از ساحت زبان فارسی طرد شود.

به‌طور غیرمستقیم در بالا بردن سطح زبان فارسی در میان شنونده‌ها و بیننده‌ها سخت مؤثر باشند. ولی متأسفانه، گوینده‌های رادیو و تلویزیون، بنابر تجویز کسانی که خط‌مشی‌زبانی این دو دستگاه را تعیین می‌کنند و به خیال خودشان می‌کوشند «فارسی بی‌غلطی»^(۳) به توده مردم عرضه کنند، در



زبان فارسی تحریف‌هایی روا می‌دارند که از ذوق سلیم هر فارسی‌زبانی، به دور است و با هیچ منطقی آن رانمی‌توان توجیه کرد».

رادیو و تلویزیون خود را در نقش قیم زبان فارسی جلوه می‌دهند و به مردم وانمود می‌کنند که فارسی طبیعی و عادی که آنها (مردم) حرف می‌زنند، غلط است و باید آن‌طور که گوینده‌های رادیو و تلویزیون تجویز می‌کنند حرف بزنند؛ باید به فتح اول بگویند «شجاعت، تکرار و عدالت»؛ باید به ضم «چ» بگویند «چنان و چنین»؛ نباید بگویند «مرداد»، باید بگویند «امرداد»؛ باید به فتح «ب» بگویند «کالبد»؛ به سکون «ت» بگویند «رستگار»؛ به سکون «ر» بگویند «مهربان» و به سکون «د» بگویند «پروردگار» و دخالت‌های دیگری از این قبیل».

این تحریف‌های نابجا، به گوینده‌های رادیو و تلویزیون چهره‌ای ساختگی و «من درآوردی» داده و چون این تصرفات از نفس زبان فارسی به دور است، اغلب شنونده‌ها حیران می‌مانند که چرا گوینده‌های رادیو و تلویزیون، این‌طور حرف می‌زنند.

توجهی که مسئولان رادیو و تلویزیون برای این تصرفات بیان می‌کنند، از این دو مقوله خارج نیست: «اگر کلمه فارسی باشد، تلفظ گذشته آن راملاک درستی و نادرستی قرار می‌دهند و اگر کلمه عربی باشد، تلفظ آن را در زبان عربی ملاک قرار می‌دهند؛ از لحاظ زبان‌شناسی، این دو ملاک باطل‌اند و نمی‌توان به آنها استناد نمود».

هر واژه بیگانه‌ای که وارد زبان دیگر می‌شود، باید تابع دستگاه‌های آوایی و دستوری آن زبان باشد. تلفظ (حتی معنی و کاربرد) گذشته واژه‌های اصیل، پس از قبول، تابع زبان دوم می‌شود، وگرنه حکم تجاوز پیدا می‌کند و ما ایرانیان نباید اجازه چنین تجاوزی را در زبان فارسی بدهیم.

همچنین در دومین سمینار زبان فارسی در صداوسیما، دکتر علی اشرف صادقی ذیل عنوان **خطاهای تلفظی و بیانی در صداوسیما** پس از ذکر مقدمه‌ای، غلط‌های رایج در صداوسیما

را به سه دسته تقسیم کرد که دسته سوم، غلط‌هایی ناشی از داشتن تصور نادرست درباره کلمات زبان فارسی است و به مناسبت، به ذکر یک قاعده زبان فارسی پرداخت و بی‌توجهی به این قاعده را سبب این اشتباه‌ها دانست:

«در زبان فارسی هیچ کلمه بسیطی دیده نشده که در آن سه صامت پیاپی وجود داشته باشد؛ زیرا تلفظ سه صامت پشت سرهم برای ایرانیان دشوار بوده است. اگر در نتیجه ترکیب شدن دو کلمه با هم، که کلمه اول دارای دو صامت پایانی باشد و کلمه دوم (طبعاً) با صامت آغاز شود و در نتیجه، سه صامت در کنار هم قرار گیرند، معمولاً میان صامت دوم و سوم یک مصوت افزوده می‌شود؛ مثلاً: ترکیب «ارج‌مند» به صورت «ارجُمند»، ترکیب «مهر» با «بان» به صورت «مهربان» و «مهر» با «گان» به صورت «مهرگان» درمی‌آید. اما چند سالی است که می‌بینیم گوینده‌های رادیو و تلویزیون، این کلمات را برعکس تلفظ هزار و چند صد ساله آنها به صورت «ارجمند»، «مهربان» و «مهرگان» تلفظ می‌کنند و به قیاس با آنها، کلمات «استوار» و «ترکمن» را نیز به «استوار» و «ترکمن» بدل می‌کنند».

صحبت‌های دکتر صادقی نظیر همان حرف‌هایی است که دکتر باطنی و دیگر استادان، از سالیان پیش گفته‌اند. می‌توان ده‌ها نمونه دیگر از این‌گونه غلط‌ها را بر آنچه به‌عنوان مثال

آورده شده، اضافه کرد؛ مثل «عطر» با کسر «ع»؛ «نهاد»، «جواز» و «جهاد» با کسر «ن» و «ح» در هر دو واژه و حتی «فراغت» با کسر «ف» و بر همین قرار ترکیب رایج «اوقات فراغت» با کسر «ف»؛ «تهیه» به فتح اول و دوم و حتی «تلویزیون» با سکون «ل».

در رادیو همه چیز، به صدا و آوا تبدیل شد؛ زیرا طبیعت این رسانه چنین بود. به این ترتیب، دستگاه آوایی با فونولوژی، ارزش و اعتباری هم پایه و هم سنگ با دستگاه دستوری یا گرامری زبان پیدا کرد.

در مورد تلفظ دو کلمه «چنین» و «چنان»، باید بگوییم که از همان سال‌های نخست ایجاد رادیو در ایران، گه گاه بعضی از مجریان و گوینده‌ها به تبعیت از تلفظی که در افغانستان و شهرهای مرزی استان خراسان وجود داشت، این واژه‌ها را با ضم «چ» تلفظ و بیان می‌کردند که جلوی اشاعه آن گرفته شد و گوینده‌ها دیگر از این تلفظ تقلید نمی‌کنند. در اینجا بخشی از سخنان رهبر معظم انقلاب را، که از این مشکل سخن گفته‌اند، می‌آوریم:

«امروز واقعاً ضابطه و مرجعی لازم است که مشکلات به وجود آمده برای زبان فارسی را رفع کند و نگذارد از مسیرها و جریان‌های غلط، آب‌هایی را به اسم زبان، وارد دریاچه زبان فارسی کنند و زبان را آلوده سازند. واقعاً پالایش صحیحی لازم است. می‌گویند «غلط مشهور بهتر از صحیح مهجور است»؛ البته این در جاهایی درست به نظر می‌رسد، اما ترکیب‌هایی را که یکی از عوام آن را ایجاد کرده و یکی دیگر از عوام از او تقلید کرده است و بعد هم دیگران پی‌درپی آن را گفته‌اند و نوشته‌اند، نمی‌شود واقعاً ملاک قرار داد و نمی‌توان گفت چون این ترکیب معروف شده است، ما باید آن را قبول کنیم. این گونه ترکیب‌ها را باید حذف کرد، والا زبان به کلی ضایع خواهد شد.»

رهنمودهای رهبر معظم در بسیاری موارد مصداق دارد؛ تا حدود ۱۲-۱۰ سال قبل، همه گوینده‌ها و مجریان، «چنان» و «چنین» را با کسر «چ» تلفظ می‌کردند، چنان که همه ایرانیان این گونه تلفظ می‌کنند.^(۴) این تلفظ با موسیقی و آهنگ زبان فارسی، هماهنگی بیشتری دارد و از طرفی تلفظ مردم هم همین گونه است. دکتر باطنی، استاد زبان‌شناسی هم بر تلفظ این

دو واژه با ضم «چ» ایراد گرفته، تلفظ آن را با کسر «چ» مجاز و درست دانسته‌اند.

عجیب‌ترین قسمت این تقلیدها اینجاست که این تلفظ‌ها حتی به نمایش‌ها، فیلم‌ها و سریال‌ها هم رسوخ کرده‌اند؛ مثلاً در صحنه‌ای از یک سریال تلویزیونی که نمایشی از زندگی عادی مردم و حوادث ساده را نشان می‌داد، بازیگرانی که از مردم عادی و شاید کم‌سواد یا بی‌سواد جامعه بودند، در صحبت‌هایشان از واژه‌های «چنین» و «چنان» استفاده می‌کردند و از «مهربانی» دم می‌زدند. شاید نمی‌دانستند که با این تقلید زننده و نادرست، حرف زدنشان چقدر مضحک و خنده‌دار شده است.

موارد یادشده از ساده‌ترین و معمولی‌ترین غلط‌های گفتاری هستند که از رادیو و تلویزیون می‌شنویم. در دومین سمینار زبان فارسی در صداوسیما که متن آن سخنرانی هانیز، پس از برگزاری سمینار، از طرف انتشارات سروش چاپ و منتشر شد، آقای موسی اسوار، عضو شورای عالی ویرایش، در پژوهشی که به بررسی نمونه‌هایی از برنامه‌های صداوسیما پرداختند، «مشتی از خروار» غلط‌ها و خطاهای این دو رسانه را که بسیار مهم و اساسی بودند، عرضه کردند. ایشان، خطاهای عمده این دو رسانه را به چهار دسته تقسیم کردند:

- ناآگاهی از قواعد ساختمان زبان فارسی

- اشکالات منطقی

- اشکالات بلاغی

- اشکالات تلفظی و بیان.

دسته اول که به اصل ساختمان زبان فارسی و به هر دو شکل رایج آن (نوشتار و گفتار) مربوط می‌شود، مسئله‌ای بسیار پیچیده و در عین حال گسترده است که مسلماً در یک مقاله و سخنرانی و بررسی نمی‌توان همه جوانب آن را به نمایش گذاشت و از آن نتیجه لازم و مطلوب گرفت. ایشان هم مدعی انجام آن نبودند و رایج‌ترین اشتباه‌ها را که مربوط به شکل نوشتاری و مکتوب زبان است مطرح کرده، پس از ذکر هر مورد اشتباه، البته راهنمایی‌هایی هم نموده، صورت درست واژه را ذکر کردند. چند موردی که در این دسته شرح موجز داده‌اند، بدین قرارند:

- بی‌اطلاعی از نقش «را»، چه در کاربرد آن پس از فعل، چه

در حذف آن و چه در کاربرد آن به صورت زاید

- حذف فعل بدون قرینه

- ناسازگاری زمان فعل در دو جمله هم پایه

- صیغه نامناسب فعل

- کاربرد به اصطلاح «وجه وصفی»

- کاربرد ساخت مجهول به جای ساخت معلوم
- ساخت نادرست جمله و خطاهای ساختاری واژگان.
ایشان در توضیحات دسته‌های دوم و سوم که شامل اشکالات منطقی و بلاغی می‌شدند، بی‌توجهی به ساخت و بافت معنایی جمله، نوجویی‌های ناشیانه و کاربرد تعبیرات نابجا و نامناسب و همچنین رعایت نکردن اصول ساده‌نویسی را، به اختصار شرح دادند.

اگرچه اشکالات تلفظی و بیان در صداوسیما، ناشی از غلط خوانی گوینده‌ها و مجریان و بی‌توجهی آنان به مفهوم پیام و کم‌سوادی و ندانستن وزن شعر و صنایع شعری سرچشمه می‌گیرد، اما متأسفانه چیزی نیست که بتوان با یک یا چند مقاله و سخنرانی آن را برطرف کرد. اکنون برای جبران آن و رسیدن به آگاهی‌های لازم، باید کلاس‌ها و دوره‌های متعدد برگزار کرد تا طی آن، گوینده به «مهارت» برسد.

دسته چهارم این اشکالات، اگرچه از غلط خوانی گوینده‌ها و مجریان و بی‌توجهی آنان به مفهوم پیام و کم‌سوادی و ندانستن وزن شعر و صنایع شعری سرچشمه می‌گیرد، اما متأسفانه چیزی نیست که بتوان با یک یا چند مقاله و سخنرانی آن را برطرف کرد. ریشه این اشکالات به سال‌های تحصیل در دبیرستان و دانشگاه و کلاس‌های درس ادبیات و زبان فارسی برمی‌گردد. اکنون برای جبران آن و رسیدن به آگاهی‌های لازم، باید کلاس‌ها و دوره‌های متعدد برگزار کرد تا طی آن، گوینده به «مهارت» برسد.

اگر می‌شد با ارائه نمونه‌های درست و تذکرهای روا و صحیح، هر یک از این اشکالات را برطرف کرد، دیگر این همه دوره‌های تحصیلی لازم نبود!

از نتیجه‌گیری‌های آقای اسوار هم می‌فهمیم که ایشان به برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی و جبرانی اعتقاد دارد و در پایان سخنرانی خود می‌گوید:

«اینها نمونه‌هایی بود از دسته‌های گوناگون خطاها در زبان کنونی صداوسیما. چنانکه ملاحظه شد، زبان صداوسیما،

نقایص و نارسایی‌های جدی فراوان دارد. پیراستن این زبان از خطاها و تهذیب و پالایش آن، مستلزم وقت، برنامه‌ریزی و امکاناتی درخور است».

و سپس برنامه‌ها و اقداماتی را برمی‌شمارد که بر محور آموزش است و در همه زمینه‌ها، از ویرایش گرفته تا واحدهای آموزشی زبان و ادبیات فارسی در دوره‌های کوتاه مدت و بلند مدت را شامل می‌شود و سرانجام نظارت دقیق بر همه برنامه‌ها، چه به صورت بازشنوی پیش از پخش و چه پس از پخش و یادآوری خطاها و مسامحات برای پرهیز و جلوگیری از تکرار آنها را یادآور می‌شود.

اگرچه تکیه بیشتر رهنمودهای آقای اسوار بر نگارش و ویرایش است (که ایشان عضو شورای عالی ویرایش‌اند) اما، محوریت آموزش، می‌تواند و باید نکته مشترک هر طرحی باشد.

امیدواریم صاحبان فکر و اندیشه، استادان ادبیات، زبان‌شناسان، نویسندگان، شاعران و همه عاشقان ایران و دلسوزان زبان فارسی، که همیشه و در هر حال مراقب بوده‌اند، در امر بیان و ویژگی‌های گونه‌ملفوظ زبان (زبان رادیو) و تعیین معیارهای آن نیز به‌طور کامل و دقیق، کوشا باشند و از هر فرصتی برای تبیین اصول بیان معیار بر اساس قوانین زبان‌شناسی و زبان فارسی استفاده کنند و از تازگی و دشواری کار خسته و مأیوس نشوند و نگذارند زبان و بیان فارسی با پیرایه‌های سلیقه‌های فردی به بیراهه کشیده شود.

پاورقی:

۱- برای ورود به این بحث از دو کتاب مسائل زبان‌شناسی نوین و زبان تفکر دکتر محمدرضا باطنی استفاده شده است.

۲- محمد پروین گنابادی

۳- لا بد آن موقع، پارسی را پاس نمی‌داشتند.

۴- در فرهنگ‌های لغت مانند: فرهنگ معین، فرهنگ فارسی امروز و فرهنگ الفبایی-قیاسی زبان فارسی و فرهنگ دهخدا، «چنان» و «چنین» ترکیب‌هایی و مانند: همچنین، همچنان، این چنین، آنچه، چنان که، چنین که و... با هر دو تلفظ «چ» و «چج» آمده است. و فرهنگ دهخدا، که کامل‌تر شرح داده، «چنان» را مخفف «چونان» و «چنین» را مخفف «چونین» دانسته و ضمن آوردن نمونه‌های متعدد شعر و نثر و همه ترکیباتی که از آنها می‌سازند نظیر: چنان که، چنان چه، هم چنین و هم چنان،... در انتها نوشته: این کلمه را در هند و افغانستان با ضم «چ» ادا می‌کنند، اما تلفظ ایران با کسره است. اضافه بر این در حاشیه هم اضافه کرده است: در تداول عامه مردم به کسر اول تلفظ می‌شود.